



هم خوب نیست. فروشنده ای که در یکی از این شهرک‌ها فروشگاه نسبتاً بزرگی دارد می‌گوید تمام خریدش تا اردیبهشت را فروخته است؛ می‌گوید اگر همین‌طور خرید کنند قفسه‌هایم خالی می‌شود و بیم دارد روزی مشتری اش دست خالی برگردد. چون شهرک محل کسب و کارش کوچک است، اغلب مشتری‌هایش را می‌شناسد و می‌گوید هر کدام به اندازه مصرف یکی دو ماه‌شان یکجا خرید کرده‌اند و بین مایحتاج ضروری و غیر ضروری فرقی نگذاشته‌اند و همه چیز را سبدها می‌برند. امروز علیرضا زالی فرمانده عملیات مدیریت کرونا در کلانشهر تهران تأکید کرد که ریتم زندگی در تهران با شرایط اپیدمی همخوانی ندارد. راست می‌گوید؛ ریتم تهران ریتم زندگی گذشته است؛ آن هم در شرایطی که هیچ چیز شبیه گذشته نیست. خیلی‌ها دل نگران عیدند. ۱۳ روزی که هم می‌تواند شمارش معکوس برای پایان بیماری باشد و هم بالعکس، افزایش روند تصاعدی بیماری و متعاقب آن مرگ، انتخاب با ماست.



چیز فرق می‌کند. جلوی مغازه‌ها هنوز دستفروش است؛ وانتی‌ها با بار سیرتازه و چغاله بادام نوبر خیابان را قرق کرده‌اند. ایستگاه‌های اتوبوس شلوغ‌تر است و در خیابان‌های فرعی خودروها دوبله پارک کرده‌اند تا از تخفیف و خرید جا نمانند. خانم فروشنده ای که لوازم آرایشی و بهداشتی می‌فروشد تعریف می‌کند: تازه امروز خوب است؛ پریروز که شایعه شد تهران قرنطینه می‌شود جلوی نانواپی‌ها صف بود. مادرم از ترسش ۵۰ تا لواش خرید و وقتی برای خرید مرغ رفته بود با فروشنده و مردم توی صف دعوايش شده بود. وضعیت در شهرک‌های اقماری و حاشیه ای تهران



رعایت نکنند، زنجیره شوم و منحوس بیماری قطع نمی‌شود؛ مهم نیست که آنانکه ناچار به حضور در محل کار خود هستند، جان بر سر دست گرفته‌اند و... برای عده ای گویا هیچ کدام از اینها مهم نیست و تلاش می‌کنند از میان این همه زنگ خطرها گریز بزنند به شمال و کنار دریا؛ یا مثل ایام خوش گذشته مراکز خرید را گز کنند. خیلی‌ها می‌گویند ناچارند؛ یکی کارمند است و باید به اداره برود؛ یکی لباس نیروی انتظامی به تن دارد؛ دیگری خواروبار فروش است و آن یکی پاکبان. اما هنوز خیابان‌ها ترافیک است؛ آن هم نه ساعت شروع به کار یا تعطیلی کار ادارات. در تهران در خیابان‌های مرکزی به بالا انگار هشدارها جدی‌تر گرفته شده است.

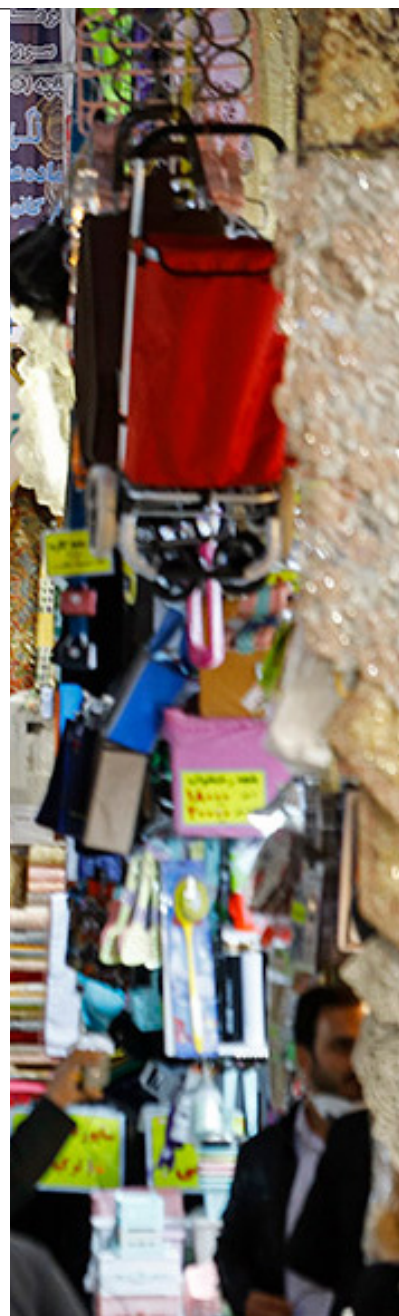
تعداد بیشتری ماسک به صورت دارند و تردها کمتر است. اما کمی پایین تر همه



مهم نیست که هر روز دست کم ۱۰۰۰ مبتلا به ویروس کووید ۱۹



در ایران شناسایی می‌شوند؛ مهم نیست که در هر ساعت ۴ نفر جان خود را بر اثر ابتلا به کرونا از دست می‌دهند؛ مهم نیست که پزشکان و پرستاران خسته و فرسوده از تلاش شبانه روزی برای نجات جان بیماران جان می‌دهند؛ مهم نیست که ده‌ها نفر چنان ترسیده‌اند که با تمسک به نوشیدن الکل قلبی برای دور کردن ویروس جان خود را از دست داده‌اند؛ مهم نیست که کرونا نه واکسن دارد و نه درمان؛ مهم نیست که مدارس، دانشگاه‌ها، ورزشگاه‌ها و حتی درهای آرامستان‌ها را بسته‌اند تا جایی برای رفتن نباشد؛ مهم نیست کسانی که شیمی درمانی کرده‌اند، دیالیز می‌کنند، باردار هستند و... ۳ هفته است خود را در خانه حبس کرده‌اند؛ مهم نیست که شاید این وضعیت تا خرداد طول بکشد؛ مهم نیست که حتی اگر یک نفر



هنوز بسیاری از شهروندان توصیه‌های بهداشتی را نادیده می‌گیرند و در محافل عمومی و تجمعات حضور می‌یابند

کرونا گری! دی!